

شکرگزاری و نعمت فراوان کفران

شکرگزاری در قرآن و حدیث

لیلا سلیمانی سروستانی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث
و دبیر دبیرستان حضرت خدیجه (س)

چکیده

شکر خدا شکری زبانی نیست بلکه عقیده و اخلاق و عملی است که اگر کسی به آن آراسته شد به اعلیٰ علیین می‌رسد؛ یعنی، علاوه بر انجام اعمال عبادی، نعمت‌های الهی را اسبابی برای گناه قرار ندهیم بلکه آن را عاملی برای تقوا و پرهیزکاری و طریقی به سوی رستگاری بدانیم و آن‌ها را در مسیری که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) ترسیم کرده‌اند، به‌کار ببریم. در واقع، حقیقت شکر این است که انسان همواره به یاد خدا باشد و حتی لحظه‌ای از عمر خود را تباه نسازد و از تلاش در جهت تزکیه و سبقت در تحصیل خیرات و کمالات دست برندارد و برای نیل به مکارم و فضایل اهتمام ورزد. سبب اینکه این موضوع را برای تحقیق انتخاب کرده‌ام، عظمتی است که شکر عملی دارد اما متأسفانه کمتر مورد توجه و عنایت قرار می‌گیرد؛ تا جایی که در کتاب‌های درسی دین و زندگی دبیرستان چندان به این موضوع پرداخته نشده است و جا دارد مبحث شکر عملی جزء مباحثی باشد که دانش‌آموزان در کتاب‌های درسی خود از دوره ابتدایی تا متوسطه با آن آشنا شوند.

◀ **کلیدواژه‌ها:** شکر، شکر عملی، نعمت، مدح، کفران

نعمت، سپاس

مقدمه

در دنیای امروز سه بحران مهم جوامع بشری را دربر گرفته است: بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اخلاقی. با کمی دقت ریشه همه بحران‌ها را در بحران اخلاقی می‌یابیم. به همین دلیل، انبیای الهی قبل از هر چیز به سراغ اصلاح اخلاق امت‌ها می‌رفتند و آن را بر همه چیز مقدم می‌شمردند. تا آنجا که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌و آله) هدف بعثت خود را تکامل اخلاقی بشر معرفی می‌کند و حدیث معروف «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مکارم الاخلاق: ۸) بیانگر هدف والای آن حضرت است. یکی از موضوعاتی که در جهت ارتقای سطح اخلاقی جامعه نقش دارد، شکرگزاری عملی است، که در آیات قرآن و روایات ائمه - علیهم‌السلام - فراوان به آن پرداخته شده است.

با توجه به توصیه‌های دین مبین اسلام و روایات وارده از ائمه - علیهم‌السلام - در جامعه امروزی می‌بینیم که بسیاری از افراد در عین انجام دادن اعمال عبادی و خواندن نماز و گرفتن روزه و... باز دچار کفران نعمت می‌شوند و



از نعمت‌هایی که خداوند به آنان داده است، در طریق صحیح استفاده نمی‌کنند. لذا بر آن شدیم تا به بحث ارزش شکرگزاری عملی از دیدگاه آیات و روایات و پیامدهای کفران نعمت بپردازیم.

تعریف شکر

شکر در لغت به معنی سپاس‌گزاری کردن، سپاس داشتن، ثنا گفتن بر احساس کسی و همچنین کشف و اظهار سپاس است.

تعریف اصطلاحی شکر: شکر نعمت آن است که بندگان خدا نعمت‌هایی را که خدا به آن‌ها بخشیده است در همان راهی مصرف کنند که برای آن به‌وجود آمده‌اند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: **شُكْرُ التَّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ**؛ شکر نعمت دوری جستن از محرمات است (اصول کافی، ۲: ۹۹).

فطری بودن شکر

این سؤال مطرح است که آیا شکر مُنعم امری فطری و غریزی است یا عقلی و فلسفی یا تکلیف و حکم شرعی؟ «در پاسخ باید گفت که هر چند زمینه هر سه دیدگاه وجود دارد اما با توجه به همگانی بودن آن، که حتی حیوانات را نیز شامل می‌گردد، به نظر می‌رسد شکر منعم یک امر فطری است که هر انسان این حالت را نسبت به هر منعمی در خود احساس می‌کند» (اخلاق در قرآن: ۱۳۸۱: ۱). اگر فطرت انسان دست‌نخورده و سالم باقی‌مانده باشد، توجه به این همه نعمت کافی است که حالت شکرگزاری را در دل و عبادت و خداپرستی را در رفتار وی ظاهر سازد.

ارزش شکرگزاری

یکی از صفات ارزنده نفس، شکر است که معیار ارزش و بزرگواری نفس و وسیله جذب و کشش از ناحیه عبد به سوی معبود است. با شکر، انسان می‌تواند لطف الهی را درباره خود زیاد کند: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...» (ابراهیم/۷). شکرگزاری یکی از صفات خداوند است: «وَ اللَّهُ شَكُورٌ خَلِيمٌ» (التغابن/۱۷).

سپاس‌گزاری و حمد، آغاز و انجام سخن جنت‌نشینان است.

دستیابی به قله‌های والای کمال معنوی در اثر صبر بسیار و شکر فراوان حاصل می‌شود.



یکی از صفات ارزنده نفس، شکر است که معیار ارزش و بزرگواری نفس و وسیله جذب و کشش از ناحیه عبد به سوی معبود است. با شکر، انسان می‌تواند لطف الهی را درباره خود زیاد کند: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...» (ابراهیم، ۷)

خداوند رهاورد حکمت را در شکر و سپاس‌گزاری بیان می‌کند و در این باره لقمان را نمونه‌عالی معرفی می‌کند: «وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (لقمان/۱۲).

رسیدن به منزلت و مرتبه شاکران از وظایف اساسی انسان و هدف از خلقت اوست؛ «ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (البقره/۵۶)

در اهمیت این مقام همین بس که شیطان تهدید می‌کند که نخواهد گذاشت بندگان خدا سپاس‌گزار او باشند: «وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (الأعراف/۱۷).

به سبب اهمیت و ارزشی که شکرگزاری دارد رسیدن به این مقام نیز سخت است و وصول به آن برای همه میسر نیست. از خداوند تقاضا کنیم که به ما توفیق عنایت فرماید و ما را از شاکران درگاهش قرار دهد.

مراتب شکرگزاری

حال که با فلسفه شکرگزاری و ارزش آن آشنا شدیم، به بررسی مراتب شکرگزاری می‌پردازیم. شکر از نظر شیوه انجام آن دارای سه مرتبه است.

مراتب شکر به نظر شهید مطهری و مستفاد از روایتی سه‌تاست:

۱. شکر قلبی، ۲. شکر جوارحی و ۳. شکر لسانی.

الف) شکر قلبی

همان تصور نعمت و رضایت و خشنودی از نعمت‌های الهی است و اینکه هرگز در دل خویش نسبت به نعمت‌ها، چه کم باشند چه زیاد، ناسپاس نباشیم.

ب) شکر زبانی

شکر به وسیله زبان به این گونه است که شکرگزاری از خداوند را بر زبان اظهار کنیم، نظیر گفتن «الحمدلله». البته تنها اظهار شکر به زبان کافی نیست. همچنین باید مراقب بود که با زبان نعمت‌های خداوند را تحقیر نکنیم و آن‌ها را کوچک بشماریم بلکه نعمت‌های خدا را مدح کنیم و آن‌ها را با اهمیت و بزرگ بدانیم؛ هر چند که آن نعمت‌ها کوچک باشند.

امر به معروف و نهی از منکر، غیبت نکردن و تهمت نزدن و دروغ نگفتن از موارد شکر زبانی است. چنان که در اصول کافی آمده است که حضرت صادق (علیه‌السلام) فرمود: «مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ صَعُرَتْ أَوْ كَبُرَتْ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِلَّا آدَى شُكْرَهَا.» (اصول کافی، ۲: ۹۶ و بحار،

۶۸: ۳۲) اگر خدا نعمتی به بنده خود عطا کرد و آن بنده الحمد لله گفت، شکر آن نعمت را به جا آورده است.

ج) شکر عملی

شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است و آن را در مورد خودش مصرف کنیم. حضرت علی (ع) نیز می فرماید: شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛ شکر هر نعمتی پرهیز کردن از حرام‌های خداوند است (مشکاة الانوار: ۳۶)

در واقع، «حقیقت شکر» این است که انسان همواره به یاد خدا باشد و بی هیچ گونه فراموشی در راه او گام بردارد و خداوند را اطاعت کند. کسی می تواند به حقیقت شکر برسد که

۱. به فقر و عجز و ضعف خود التفات پیدا کند؛
۲. متوجه انواع نعمت‌ها و فیض‌هایی باشد که از جانب پروردگار به او می‌رسد؛
۳. نعمت‌های الهی را در راه فلاح و سعادت خود به کار گیرد تا به شر و عقوبت و نقیمت تبدیل نشود؛

۴. در منطق اسلام، حق‌شناسی یک مسلمان در برابر خدا در گرو انجام اوامر الهی، پرهیز از معاصی و محارم است. در این صورت نعمت‌های خداوند اسباب و وسایلی است که آن‌ها را برای بندگان آفریده تا به وسیله آن‌ها سعادت قرب او را به دست آورند.

شکر عملی شکل کامل شکر و ثمره دو مرحله شکر قلبی و شکر زبانی است. شکر عملی این است که فرضاً یک دانشمند علم خود را در راه صحیح و در راه پیشرفت جامعه خود به کار برد. امام علی (ع) می فرماید: شُكْرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ عَمَلُهُ بِهِ وَ يَذَلُّهُ لِمُسْتَحِقِّهِ؛ سپاس‌گزاری عالم در علمی که دارد این است که به آن عمل کند و به نیازمندان بذل نماید (غررالحکم: ۴۴).

شکر نعمت به شکل عملی از ارزش و جایگاه برتری برخوردار است. برخی گفته‌اند که تعبیر قرآن درباره مواهبی که به دودمان حضرت داود (ع) داده شده است و می فرماید: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا». (سبأ/ ۱۳)، و به کار بردن واژه «اعملوا» نشان می‌دهد که شکر، بیشتر از مقوله عمل است و باید آن را در لابه‌لای اعمال انسان ارائه داد. شاید به همین دلیل قرآن تعداد شکر گزاران واقعی را اندک شمرده است. چه بسیارند کسانی که با زبان، شکر خدا می‌گویند، ولی در عمل کفران می‌کنند.



شکر عملی، شکل کامل شکر و ثمره دو مرحله شکر قلبی و شکر زبانی است. شکر عملی این است که فرضاً یک دانشمند علم خود را در راه صحیح و در راه پیشرفت جامعه خود به کار برد. امام علی (ع) می فرماید: شُكْرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ عَمَلُهُ بِهِ وَ يَذَلُّهُ لِمُسْتَحِقِّهِ

عبادت و نیایش در برابر پروردگار و نیز بذل و انفاق کردن از مقوله شکر عملی است. از دیگر موارد می توان اسراف نکردن و بخیل نبودن در زندگی را جزء شکر عملی دانست.

همه کسانی که اسراف و تبذیر می‌کنند، بخیل‌اند، نعمت‌های الهی را وسیله فخرفروشی بر دیگران قرار می‌دهند یا بر اثر نعمت مست می‌شوند و طغیان می‌کنند، ناسپاس‌اند و در طریق کفران نعمت گام برمی‌دارند.

یکی از شاخه‌های شکر عملی این است که انسان اگر بر دشمنش پیروز شود، تا آنجا که ممکن است، عفو و گذشت را شکرانه پیروزی خود قرار دهد. امام علی (ع) می فرماید: إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ؛ هنگامی که بر دشمنانت پیروز شدی، عفو را شکرانه این پیروزی قرار بده (کلمات قصار نهج‌البلاغه، ۴۷۰، حکمت ۱۱).

این نکته نیز شایان ذکر است که یکی از بهترین طرق شکر در برابر نعمت‌ها، انفاق کردن بخشی از آن در راه خداست، همان‌گونه که امام علی - علیه‌السلام - می فرماید: «أَحْسَنُ شُكْرِ النِّعَمِ الْإِنْعَامُ بِهَا»؛ «بهترین شکر نعمت‌ها، بخشیدن از آن است» (غررالحکم: ۲۷۹).

مصادیق شکر عملی

۱. نماز: بهترین نمونه شکر خداوند است. «إِنَّمَا أُعْطِينَاكَ الْكُوفَرُ» فَضْلٌ لِرَبِّكَ وَ أَنْحَرُ» (الکوثر/ ۱ و ۲)
۲. روزه: چنان که پیامبران الهی به شکرانه نعمت‌های خداوند، روزه می‌گرفتند.
۳. خدمت به مردم: «وَ لَا يَأْبُ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ» (البقره/ ۲۸۲). در این جا نامه نوشتن که خدمت به مردم است، نوعی شکر نعمت سواد دانسته شده است.
۴. قناعت: امام علی - علیه‌السلام - فرمودند: «أَشْكُرُ النَّاسَ أَقْنَعُهُمْ وَ أَكْفَرُهُمْ لِلنِّعَمِ أَجْسَعُهُمْ» (الارشاد، ۱: ۳۰۵).
۵. یتیم نوازی: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ» (الضحی/ ۹).
۶. کمک به محرومان و نیازمندان: «وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» (الضحی/ ۱۰).
۷. تشکر از مردم: «وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (التوبه/ ۱۰۳). تشکر از مردم تشکر از خداوند است؛ همان‌گونه که در روایت آمده است: کسی که از مخلوق تشکر نکند، از خداوند شکرگزاری نکرده است. «مَنْ لَمْ

يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمُخْلُقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.
(عیون اخبار الرضا: ۲: ۲۴).

۸. سجده شکر: خداوند می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا مَا كَفَرْتُمْ وَأَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (الحج/۷۷)، سجده شکر باعث روا شدن حاجات و از عبادات عظیمه است.

از امام صادق - علیه السلام - روایت است که هر مؤمن که برای خدا سجده کند، از جهت نعمتی در غیر نماز، حق تعالی ده حسنه برایش بنویسد و ده گناه او را محو کند و ده درجه در بهشت او را بلند گرداند.^۱

۹. تواضع: یکی از مصادیق شکر عملی این است که انسان تواضع و فروتنی را در خود تقویت کند و در اجتماع با این خصوصیت اخلاقی بالا حاضر شود. همچنین نسبت به تمام کسانی که در اطرافش هستند و به نحوی او را در گذران زندگی اش کمک و یاری می کنند، سپاسگزاری کند و با این رفتار خوب خود، روابط اجتماعی سالم را در جامعه رشد دهد و فرهنگ جامعه را ترقی و رشد بخشد و با تمام وجود باور کند که شکرگزاری از زحمات و خدمات مخلوق نیز، راهی برای تشکر و قدردانی از خداوند است.

۱۰. پیروی از ولایت اهل بیت: یکی از بهترین نعمت‌های الهی نعمت ولایت اهل بیت - علیه السلام - است. در تفسیر آیه ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (التكاثر/۸) حضرت صادق - علیه السلام - می فرماید:

نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ النَّعِيمِ الَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِنَا عَلَي الْعِبَاد (مجمع البيان، ۱۰: ۸۱۳) یعنی به خدا قسم ما، این نعمت‌هایی که خدا به بندگانش، عطا فرموده است.

امامت مولای ما، حجت بن الحسن (عج)، بزرگ‌ترین نعمت الهی است که نصیب بشریت شده است. امروزه امام زمان - علیه السلام - پرچم‌دار ولایت الهی در جهان است و بدون ولایت ایشان تمام نعمت‌های دیگر ناقص است. از سوی دیگر شرط قبولی عبادات و ولایت است. در این باره دو نکته بسیار مهم مطرح است:

۱. رفع موانع استفاده از نعمت ولایت
الف) امام زمان - علیه السلام - در پس پرده غیبت به سر می‌برند و عامل اصلی غیبت نیز مردم‌اند.

ب) مهم‌ترین حجابی که بین امام - علیه السلام - و شیعیان فاصله انداخته، گناهان ماست.

۲. استفاده صحیح از نعمت ولایت

آنچه مهم است معرفت ائمه - علیهم السلام - و پیاده کردن فرامین و آن‌ها در زندگی است. شکر نعمت وجود این خانواده، دوستی و محبت و قبول ولایت آن‌هاست. همان‌طور که بالاترین مرتبه کفران نعمت، مخالفت با آن‌ها، انکار ولایت آن‌ها و اهانت و اذیت به آن‌هاست.

واقعیت این است که اکثر مردم حتی شیعیان و دوست‌داران ائمه - علیه السلام - با حقوق پیامبر - صلی الله علیه و آله - و اهل بیت - علیهم السلام - به‌طور کامل آشنا نیستند و گاهی اصلاً به ضرورت این نعمت الهی توجه ندارند و این نعمت را مورد کفران قرار داده‌اند.

یکی از موانع شکرگزاری، نشناختن منعم است که باعث می‌شود در مقابل عطایا و نعم او بی تفاوت باشیم. انگیزه دیگر، معرفت نداشتن به ارزش نعمت است. پی بردن به اسرار آفرینش در اثر تفکر و مطالعه، باعث خضوع و خشوع مخلوق در مقابل خالق مطلق هستی می‌شود و این کرنش و خضوع بهترین نوع سپاس و قدردانی از خداوند متعال است. دیگر انگیزه ناسپاسی این است که انسان‌ها خود را سزاوار نعمت خداوند می‌دانند، در حالی که آنچه خدا به عبد خود عطا می‌کند، عین تفضل و ترحم است و کسی به عمل و عبادت، استحقاق نعمت پیدا نمی‌کند. ریشه این کفران نعمت، غرور است و غرور نیز غالباً ناشی از نشناختن و جهل به قدر و منزلت انسان در پیشگاه خداست. فراوانی نعمت و ارزانی نعمت‌ها، یکی دیگر از انگیزه‌های ناسپاسی است و اینکه انسان معمولاً خود را با کسانی که از نظر دنیوی بالاتر از او هستند مقایسه می‌کند و در نتیجه، زندگی و نعمت‌هایی که خداوند به او عطا کرده است، در نظرش پست و حقیر جلوه می‌کند و در نهایت به کفران نعمت مبتلا می‌شود.

بنابراین، انسان باید در امور دنیوی به پایین‌تر از خود و در امور دینی به بالاتر از خویش نگاه کند. در این صورت روح شکرگزاری در او تقویت می‌شود. در پایان باید گفت که انسان‌ها باید خود را به این حسنه اخلاقی ملزم و در جهت آن تلاش کنند و کفران نعمت را از خود دور سازند تا سعادت دنیا و آخرت را شامل حال خود گردانند.

پی‌نوشت

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ۳۵: «أَيُّهَا مُؤْمِنِ سَجِدْ لِلَّهِ سَجْدَةً لَشُكْرِ نِعْمَةٍ مِنْ غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَمَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجَنَّةِ».

مشروح در

[HTTP://ROSHDMAG.IR/WEBLOG/MAAREFESLAMI](http://ROSHDMAG.IR/WEBLOG/MAAREFESLAMI)